



بسم الله الرحمن الرحيم

- ۲..... مراحل اول و دوم در قبال تک گزاره ها
- ۲..... مرور بحث گذشته
- ۲..... شمولیت حالت اول در میان علوم
- ۲..... نظام سازی
- ۳..... یکپارچگی گزاره ها در یک علم
- ۳..... تمثیل بحث
- ۳..... انواع مالکیت در اسلام
- ۴..... وصول به نظریات پایه
- ۴..... جعل یا استخراج
- ۴..... خطبه اخلاقی نهج البلاغه
- ۵..... چیرگی عقل و هوا
- ۵..... سه دسته از مردم در باب ایمان



مراحل اول و دوم در قبال تک گزاره‌ها

مرور بحث گذشته

مقدمه سیزدهم از مقدمات اجتهاد قبل از ورود به مباحث عروه این بود که مجموعه تک گزاره‌های فقهی را می‌توان در دو مرحله دیگر مورد بررسی جدید قرار داد که مجموعه اول مجموعه‌سازی و تبویب گزاره‌های فقهی بود که در میان آن‌ها نوعی از مسانخت وجود دارد که ساختار فقه با این تجمیع و منظومه سازی به دست می‌آید.

شمولیت حالت اول در میان علوم

این حالت در همه علوم وجود دارد و به شکل ثابت همیشگی نیست و می‌تواند مجموعه‌هایی با نگاه‌های مختلف و رویکردهای متفاوت، به دست آید. اما مرحله دوم که در دوران معاصر بیشتری شکل گرفت نظام و مکتب سازی بود.

نظام سازی

در جلسه پیشین به مراحل سه گانه در سیر فقهی و مبنای شهید صدر در راهیابی از لایه رویین فقه به مباحث عمیق آن اشاره شد. در این زمینه گاهی تعبیر به مذهب و مکتب می‌شود که مجموعه‌ای با باطن کاملاً به هم پیوسته است. البته گاهی از آن تعبیر به فلسفه می‌شود.

نظام سازی می‌توانست ما را از لایه‌های رویین به روح حاکم بر گزاره‌های متفرق برساند که مجموعه‌ای از قواعد موجود در علوم است.



یکپارچگی گزاره‌ها در یک علم

این گزاره‌ها روح و قواعد حاکم مشخصی دارند، البته نظام دارای معانی متفاوتی دارد. لذا این قواعد باطنی کاملاً بهم پیوسته دارند و در مواردی بدان نظریه‌های بنیادین در قبال لایه‌های روین اطلاق می‌گردد. در اینجا ما با تحلیلی از سطح به عمق می‌رسیم و به ریشه‌ها و مبانی دست می‌یابیم.

تمثیل بحث

در قبال این بحث می‌توان چنین مثالی را ذکر کرد که؛

در قبال ارث و دیات باید در ابتدا این سؤال را مطرح نمود که آیا انسان تنها باکار مالک می‌شود یا با امور دیگری نیز این امر میسر است؟ شما در این زمینه گزاره‌های مختلفی را در کنار یکدیگری گذارید و مشخص می‌شود که مالکیت ناشی از کار است. معنای این عمل نظام سازی است.

انواع مالکیت در اسلام

همچنین در قبال مالکیت وقتی گزاره‌های مختلف را در کنار یکدیگر می‌گذاریم مشخص می‌شود که در اسلام سه نوع مالکیت داریم؛ خصوصی، عمومی و دولتی. برای این امر مثال‌های متعدد دیگری نیز در سایر نظام‌های موجود در جامعه وجود دارد.



وصول به نظریات پایه

در این راستا حجم گزاره‌های مرتبط هر چه بیشتر بشود، ما به قواعد کلی‌تری می‌رسیم. در این مسیر ممکن است گاهی تئوری‌های جدید موارد گذشته را نقض یا اصلاح کند. به‌عنوان مثال در بیع و اجاره مطالبی بیان می‌شود اما در خمس و زکات در زمینه اقتصادی کلام‌های جدیدی ارائه می‌گردد.

در این بین گاهی از این قوانین فقهی به نظریات پایه می‌رسیم و گاهی نظریات پایه وجود دارد و می‌شود از آن استفاده نمود.

جعل یا استخراج

مطلب دیگری که دارای اهمیت است و مرحوم شهید صدر بدان پرداخته‌اند این است که شما در نظام سازی و تئوری پردازی کارتان استخراج است یا جعل؟

در قبال این سؤال باید گفت که ما به‌عنوان کسی که دین را پاسخگو می‌دانیم طبعاً کار استکشاف را بر عهده داریم و ساختنی در کار نیست.

نکته دیگر این است که منطق ما در حرکت به‌سوی این لایه‌های عمیق منطق استقرایی است، معمولاً نیز استقراءها ناقص است و هیچ‌گاه نمی‌تواند تام باشد.

خطبه اخلاقی نهج البلاغه
در خطبه شانزدهم امام این گونه فرمودند که؛

«يَلَيْتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلَلَنَّ بَلْبَلَةً وَ لَتَغْرُبَلَنَّ غَرْبَلَةً وَ لَتَسَاطُنَّ سَوْطَ الْقَدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلُكُمْ أَغْلَاكُمْ وَ أَغْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ وَ لَيَسْبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرُوا وَ لَيَقْصِرَنَّ سَبَّاقُونَ



كَانُوا سَبْقُوا وَاللَّهِ مَا كَتَمْتُ وَشُمَّةً وَلَا كَذَبْتُ كَذِبَةً وَلَقَدْ نُبْتُ بِهَذَا الْمَقَامِ وَهَذَا الْيَوْمَ أَلَا وَإِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمُسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَخُلِعَتْ لُجْمُهَا فَتَقَحَّمَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلِّلَ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَأُعْطُوا أَرْمَتَهَا فَأَوْرَدَتْهُمْ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَبَاطِلٌ وَلِكُلِّ أَهْلٍ فَلَيْنٌ أَمِيرُ الْبَاطِلِ لَقْدِيمًا فَعَلَ وَلَيْنٌ قَلَّ الْحَقُّ فَلَزُبَمَا وَلَعَلَّ وَلَقَلَّمَا أَذْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ»^۱

به خدا قسم که من هیچ چیزی را مخفی نکردم، و هیچ دروغی نگفتم، و این موقعیت را به من گفته بودند. این نقشه برای من تصویر شده بود و برای من چیز جدیدی نیست.

چیرگی عقل و هوا

از آنجاکه درون ما بعد شیطانی وجود دارد هواهای نفسانی بر اساس آن شکل می‌گیرد و به تعبیر امام افراد درواقع دو گروه‌اند؛ گروهی که عقل و علمشان سوار بر آن‌ها شده و افرادی که هوای نفسشان بر آن‌ها می‌تازد.

سه دسته از مردم در باب ایمان

همه کسانی که در برابر یک فتنه بزرگ و حادثه عظیم قرار گرفتید، بدانید که این هواهای نفس و کشش‌های شیطانی، اسب‌های چموش هستند. آن‌هایی که بر این اسب‌های چموش سوار شدند، بدانند که پایان کار آن‌ها آتش است.

در نقطه مقابل اهل ایمان با اخلاص و ایمان خود هستند که مرکبی رام و ذلیل در برابر خداوند دارند. و مردم سه دسته‌اند؛ برخی با سرعت، برخی لنگان‌لنگان عبور می‌کنند و برخی نیز سقوط می‌کنند.